

واکاوی پیامدهای عدم پاسخ‌گویی به سؤالات کودکان در رابطه با آفرینش

شادی حسنی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۲

چکیده

سنگ بنای اعتقادات و باورهای اولیه در نخستین تجربه‌ها و احساسات دوران کودکی پایه‌ریزی می‌شود. در این دوره، قلب کودک برای پرورش حس دینی و باورها و اعتقادات مساعدتر است. تربیت دینی کودک عنصری بسیار پیچیده و درعین حال مؤثر است که در صورت شناخت صحیح از خصوصیات روحی و روانی این دوران و استفاده درست از ابزارها و روش‌ها و فنون خاص، می‌توان با بالابردن سطح فکر و معرفت کودکان احساس دینی را در آنان برانگیخت.

حال اگر والدین با ابزارها و روش‌ها آشنایی نداشته باشند، موجب می‌شود که در مقابل سؤالات کودکان پاسخ نادرست دهند که این امر موجب می‌شود آسیب‌هایی همچون، خشونت، پیدایش شبهات و... شود و چه بسا بر اثر عدم پاسخ‌گویی، سؤال خود را از دیگران پرسیده و در نتیجه، منجر به ایجاد روابط آلوده و غلط گردد. در این مقاله، سعی بر آن شده است با روش توصیفی و با استفاده از منابع معتبر به آسیب‌های ناشی از عدم پاسخ‌گویی به سؤالات کودکان در رابطه با آفرینش بپردازیم.

کلیدواژه: سؤال، اعتقادات، خشونت، تربیت، کودک

* دکتری تخصصی فقه و مبانی حقوق مدرسه علمیه صدیقه طاهره (ع)، نوشهر

shadihassani864@gmail.com

مقدمه

ما مکتب و مذهبی را نمی‌شناسیم که به اندازه اسلام دربارهٔ کودک و تربیت او سخن گفته باشد. حقوق کودکان در اسلام حقوقی پر دامنه، شامل و بسیار غنی است. امر تربیت طفل از همان دوران تکوین او مطرح و مورد نظر بوده و تا ۲۱ سال از زندگی او را در برمی‌گیرد. مادران تا ۲ سال فرزندان خود را شیر می‌دهند و پس از آن نیز والدین تا ۲۱ سال به ادامه مراقبت او می‌پردازند.

در مکارم الاخلاق آمده است: اصولاً دین اسلام نسبت به کودک دیدی مثبت است و امام سجاده علیه السلام فرمود: فرزند خوب چیزی است اگر بماند، دعای پس از مرگ والدین است و اگر پیش تر بمیرد، شفاعتگری است برای آنان.

کودک قبل از آن که عقلش به فعالیت برسد و قادر به درک مطالب علمی گردد، فطرت توحیدی و عواطف اخلاق در ضمیر او فعالیت دارد و برای پذیرش تربیت آماده است. لازم است پدر و مادر، به ارزش این فرصت مهم متوجه باشند و از بیداری فطرت ایمانی و احساسات کودک حداکثر استفاده را نمایند و از اوان طفولیت، در روان وی ایمان به خدا و سجایای اخلاقی را پرورش دهند و پیش از آنکه عقلش به خوبی شکفته شود و در راه تحصیل علم و درک حقایق عقلانی گام بردارد، طفلی پاک و باایمان، خوش اخلاق و مورد اعتماد بار آمده باشد. برای ایجاد حس ایمان در کودک، استدلال‌های عقلی ضرورت ندارد، تنها نیروی فطری و شناخت طبیعی که در نهاد خود اوست، برای پرورش ایمان کافی است. طفل را به اتکای سرشت فطری خودش، می‌توان به آسانی خداپرست بار آورد و او را به پروردگار خالق مهربان مؤمن و معتقد نمود.

پرورش صحیح احساسات پایه اساس تعالی روان است. نیل به سعادت و وصول به کمال، لایق انسانی بدون پرورش ایمان و سجایای اخلاقی ممکن نیست و اساس آن در دوران کودکی پی‌ریزی می‌شود.

کودکانی که از اول با ایمان به خدا تربیت می‌شوند، اراده قوی و روانی نیرومند دارند، از دوران کودکی رشید و باشهامت هستند و نتایج درخشان ایمان، از خلال گفتار و رفتارشان مشهود است (احمدی، ۱۳۸۹، ۲۰۷).

یوسف صدیق علیه السلام، فرزند یعقوب پیامبر است. این کودک محبوب درس خداپرستی را از پدر بزرگوار خود فراگرفته است. وقتی که برادران یوسف علیه السلام او را به قصد ایذا در چاه افکندند، یوسف علیه السلام نه سال بیشتر نداشت. از کودک نه‌ساله‌ای که در چنین وضعیت و شرایط سخت ناراحت‌کننده دچار شده جز اضطراب و جزع انتظار دیگری نیست. ولی نیروی ایمان در این کودک، اثر عجیب و حیرت‌زایی گذارده است. نمونه دیگر ایمان به خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است. در سن سه‌سالگی زمانی که می‌خواست به همراه برادرانش به صحرا برود و حلیمه به گردن او مهره‌ای انداخت تا از او محافظت کند. حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم مهره را از گردن جدا کرد و گفت: «مهلا یا أمّاه، فإنّ معی من یحفظنی» (مجلسی، ج ۱۵، ص ۳۹۲). خدای من که همواره با من است، نگهدار و حافظ من است. ایمان به خداوند است که طفل سه‌ساله‌ای را این چنین آزاد و نیرومند بار می‌آورد (ارفع، ۱۳۸۲، ۱۶/۷).

امروز کارشناسان آموزش و پرورش، در تعیین نخستین و بهترین زمان آموزش و پرورش دینی با هم هم‌صدا و هم دیدگاه نیستند. برخی سن ۶ سالگی، بعضی سن ۷ سالگی و گروهی هم هنگام تولد را بهترین نقطه آغاز می‌دانند. برخی



از یافته‌های روان‌شناسی رشد نشانگر این است که می‌شود پاره‌ای از اقدامات آموزشی یا پرورشی را پیش از تولد آغاز کرد (مرکز مشاوره حوزه علمیه، بی‌تا، ۴۸).

از یک نگاه اسلامی نیز تربیت دینی، یک فرایند چند مرحله‌ای است که نقطه آغاز آن پیش از تولد است. پرسش برای کودک، نقش مهم و فوق‌العاده‌ای دارد. موجب تحریک والدین و مربیان به جستجوی پاسخ‌های مناسب هستند. سال کودک والدین را وامی دارد که در صدد اقناع کودک برآیند و برای سال او پاسخی تهیه کنند.

برخی از کارکردهای پرسش‌گری کودکان:

- کسب آگاهی و علم و بیرون آمدن از جهل و بی‌خبری؛
- وسیله‌ای برای ارتباط با والدین و مربیان و جلب نظر و عنایت؛
- انتخاب مسیر درست کمال و سعادت؛
- شکوفایی استعداد های خداجویی و خداخواهی و کمال‌گرایی؛

مفهوم‌شناسی

۱. سؤال در لغت: طلب خواستن، سال ممکن است در خواستن فطرت و احتیاج واقعی به کار رود و یا ممکن است در رابطه با عقوبت و مورد مؤاخذه واقع شدن باشد (قریشی، ۱۴۱۲، ۴، ۱۹۹) پرسندگان جمع آن سائل است (معین، ۲، ۱۳۵۱، ۱۳۶۶) جویا شدن و خبر گرفتن (دهخدا، ۱۹۳۱، ۸، ۱۲۱۸۷)

۲. آسیب‌شناسی: آسیب در لغت: (عیب و نقص به سبب الضرب أو جرح،

تعب، مشقه، بلاء) (التونجی، ۱۳۷۳، ۳۸). می‌توان نیز بیان داشت که آسیب به معنای اضطراب، تشویش و رنج است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱/۱۴۵). آسیب در اصطلاح: باید در نظر داشت که آفت‌ها و عیوب روحی و معنوی به سه قسم تقسیم می‌شوند:

۲۹۳



واکاوی پیامدهای عدم پاسخ‌گویی به سوالات ...

آفت‌ها و عیوب اعتقادی، مانند کفر، شرک، نفاق، ریا، جهل و...

آفت‌ها و عیوب عاطفی، مانند یاس، سستی، بی‌حالی، غرور، حسرت و...

آفت‌ها و عیوب رفتاری که خود به دو قسم تقسیم می‌شود:

الف) آفت‌ها و عیوب فردی، مانند دروغ، اسراف، تبذیر و...

ب) آفت‌ها و عیوب اجتماعی، مانند استهزا، تهمت، غیبت و...

منظور از آفت‌ها و آسیب‌های فردی، آن دسته از آفت‌ها و آسیب‌هایی است که در تحقق آنها خود فرد به تنهایی دخالت دارد، مانند دروغ، و مقصود از آفت‌ها و آسیب‌های اجتماعی، آفت‌هایی است که در تحقق آنها افراد دیگر نیز دخیل باشند، به طوری که اگر دیگران نباشند، انسان به آنها گرفتار نخواهد شد. به عنوان نمونه، اگر شخصی نباشد، انسان اقدام به غیبت، تهمت و استهزای او نمی‌کند (نوروزی، ۱۳۸۶، ۱۵۵).

در نهایت، می‌توان آسیب‌شناسی را این‌گونه بیان نمود: منظور از آسیب‌شناسی، شناسایی آن دسته از عوامل مهم و مؤثری است که به وجود آمدن و یا تداوم حیات آنها، می‌تواند فرایند تحقق هر نظام و سیستمی را متوقف و یا به صورت محسوس کند نمود (بنیانیان، ۱۳۷۷، ۱۲۸).



دوران کودکی

انسان پس از به دنیا آمدن، ابتدا در دوران شیرخوارگی قرار دارد که یک مرحله بیولوژیک است و تنها در این دوره رشد جسمی کودک اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. سپس، باید دورانی را بگذراند که به آن دوران طفولیت می‌گویند و بعد از آن، دوران کودکی شروع می‌شود. این دوره فرایندی اجتماعی و تابع شرایط فرهنگی هراجماع خاص است؛ اینکه چگونه به کودکان نگاه می‌شود و کودک از نظر فرهنگی - اجتماعی چه معنایی دارد و یا آنکه اساساً کودکی و فرهنگ کودکان وجود دارد و یا خیر؟ همین‌طور چگونگی فرهنگ‌پذیری کودکان، همه مسائلی است که در ارتباط میان فرهنگ و انسان‌شناسی، اجتماع و جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. فرهنگ‌های مختلف بر سر فراهم‌ساختن زمینه‌های رشد فهم و شعور انسان، در طی دوران رشد و گذر از مرحله کودکی، به دوران جوانی با یکدیگر متفاوت هستند. فرهنگ‌هایی شرایط رشد فردی را فراهم می‌کنند، اما در برخی از فرهنگ‌ها مانع رشد قدرت درک و فهم انسانی هستند. دوران کودکی می‌تواند به عنوان یک دوره زندگی که در طول آن یک موجود انسانی به عنوان یک کودک و همراه با خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگ آن دوره تعریف شود (رضایی، ۱۳۶۵، ۳۶).

فطرت خداجویی

خوشبختانه در انسان زمینه‌هایی وجود دارد که بر اثر آن به مذهب و دستوراتش حاضر است گردن نهاد فطرت و درون انسان با خدا آشناست و تعالیم الهی بر اساس ذوق و سلیقه فطری و بر مبنای رغبتی است که در نهاد



هرانسان قرار دارد. در انسان زمینه‌گرایی به پرستش‌آفریدگار، حرکت به سوی فضیلت، پذیرش آداب و رسوم مذهبی از همان آغاز تولد وجود دارد. سهل‌انگاری‌های والدین و مربیان، بی‌توجهی به این زمینه‌ها، پذیرش مشی مخالف در این راه سبب آن می‌شود که این امر در مواردی زیرغبارهای گوناگون مخفی گردد. کار مربی بیدار کردن شعور مذهبی و متجلی کردن شخصیت الهی انسان و شکوفایی میل به تعالی در اوست که این امر از طریق گوناگون، از ارائه نمونه‌های عملی، از آموزش‌ها و القائات، از واداشتن فرد به تفکر و تأمل و تحلیل و بررسی و سیر در آفاق و انفس امکان‌پذیر است (قائمی، ۱۳۶۹، ۱۲۶).

بهترین نوع تربیت آن تربیتی است که در برگزیده مقتضای فطرت و طبیعت و ضرورت‌های سیاسی و اجتماعی و مصالح فرد و جامعه باشد و به هر فرد آن چیز را بدهد که:

- مقتضای فطرت و خواسته‌های درونی است.
- بدان نیاز طبیعی، غریزی و اجتماعی دارد.
- قادر به بهره‌برداری از آن و مورداستفاده قراردادن آن است.
- ارتباط حال و گذشته و آینده انسان در آن مورد توجه است.
- و همچنین بر این اساس که تربیت باید دوجنسی باشد، نوع تعلیمات و حدود آن و حتی روش آن و...

تحلیل‌های مذهبی ما باید به گونه‌ای باشد که کم‌کم او را متوجه خدا سازد مقام خدا را در دل او زنده نماید، او را از هواها و خواسته‌های نامشروع دور سازد، او را به پروردگار امیدوار سازد آن‌چنان که دریابد خدا حامی مظلوم است، دوستدار اقامه حق است. مسائل مربوط به توحید، عدالت، نبوت، امامت و معاد و



متعلقات این مباحث درباره صفات ثبوتی و سلبی، مسئله شفاعت، بداء معجزه، وحی، وظایف انبیا، صراط، میزان، مرگ، قبر و ازاین قبیل در عین استفاده از زبان کودکان به گونه ای بیان شود که د. دل و جانش راسخ گردد (همان).

مسئله پرسش کودکان

کنجکاوی در انسان و حیوان امری ذاتی است؛ ولی در سایه رشد و تربیت پرورده و جهت دار می شود. او با استفاده از این زمینه سعی دارد آنچه را که نمی داند و یا می خواهد بداند از پدر و مادر سال کند. کودکان حتی احساسات و ادراکات خود را از طریق پرسش مطرح می کنند، امری که بزرگ ترها بدان کمتر توجه دارند (قائمی، ۱۳۶۸، ۲۵۶).

اینان از وقتی که با زبان بازی کنند و در آغوش مادر هستند، در راه و خیابان، در موقع شست و شو، در همراهی با پدر و مادر و در همه جا از پدر و مادر و مربیان خود سال می کنند و در این زمینه آن چنان اند که گوئی ناگزیر بدان هستند.

تعداد سؤالات بعدی است که گاهی به نظر می رسد والدین خود را سال پیچ می کنند و یا به گفته عالمی عباراتی چون چرا؟ چگونه؟ برای چه؟ از دهان کودکان ۳ و ۴ سال چون سیل جاری است، سال پشت سرهم یکی پس از دیگری از دهان آن ها جاری می شود. آن چنان است که گویی تمام نشدنی است (همان).

سن پرسش کودک

دوران کودکی دوران کنجکاوی و پرسش است و این پرسش از سه سالگی اوج می‌گیرد. او می‌پرسد کنجکاوی می‌شود در همه مسائل والدین از خواب، خوراک، استراحت، روش زندگی، و همه فعالیت‌های والدین، این پرسش و کنجکاوی همه‌گانه به خاطر علم و احترام آن نیست، بلکه فقط به خاطر دانستن و نفس آگاهی است. این امر تا حدی پدیده‌ای است که اگر درون فرد زیر گوش هم سخن بگویند تمام هم‌وغم کودک متوجه سردرآوردن آن می‌شود و شاید در این مورد حتی به عجز و ناله بیفتد، گریه کند، اشک بریزد، از پدر و مادر قهر کند و توجه به پرسش کودک مهم است؛ ولی مهم‌تر نحوه پاسخ‌دادن آن است که چگونه جواب گوید و چه چیز در قبال آن زمینه‌پرستی وارد ذهنش سازد (قائمی، ۱۳۶۸، ۳۵۳).

ریشه و منشأ پرسش

ریشه آن کنجکاوی و در نتیجه خواستاری کشف و آگاهی است. ولی وجود انگیزه کنجکاوی خود سببی است که کودک بر اثر آن می‌خواهد از اسرار سردرآورد. البته مواجه شدن او با امور و اشیا، برخوردهای روزمره او با وسایل و ابزار، دیدنی‌ها، شنیدنی‌ها، لمس کردن‌ها و... محرک او به این اقدام است. این واقعیتی است که امیرالمؤمنین علیه السلام بدان اشاره کرده است «الناس اعداء ما جهلوا»، انسان دشمن آن چیزی است که نمی‌داند و می‌خواهد آن را بداند و جهل را اسیر و سرکوب خود سازد (نهج البلاغه، حکمت ۱۷۲) حتی اگر شما او را منع کنید و از سال باز دارید، باز هم قادر نخواهید بود که کنجکاوی او را خاموش کنید و یا برای همیشه او را از سال باز دارید دری را به روی او می‌بندید در دیگری به روی خود می‌کشاید.





رشد به معنای عام کلمه خود می‌تواند موجب و عاملی برای سال باشد، مثلاً کودک در هفت سالگی به مرحله تفکر منطقی می‌رسد خود این امر سببی برای بروز بسیاری از پرسش‌ها و سؤالات در ذهن است. همچنین تحولات مختلفی که در جسم و روان پدید می‌آید، مسئله بلوغ و صفات ثانویه آن، مسئله بیماری و عوارض ناشی از آن، مشاهده یک جریان و نوعی خاص از رابطه بین پدر و مادر و... موجب بروز پرسش‌هاست (قائمی، ۱۳۶۸، ۲۵۷-۲۵۵).

هدف از پرسشگری کودکان

سؤالاتی که از سوی کودکان مطرح می‌شود هدف‌های متعدد و متنوعی را تعقیب می‌کنند. گویانکه هدف عمده بسیاری از آن‌ها کسی آگاهی و اطلاع است. ما در بررسی به نمونه‌هایی از اهداف کودکان اشاره می‌کنیم:

۱. آگاهی و کشف

در این زمینه اهداف و مقاصدی مطرح‌اند که اهم آنها به شرح زیر است:

- شناخت جهان و ابعاد آن
- شناخت آفرینش خود
- شناخت خویشان و بستگان
- شناخت تولد کودک در خانه و نقش پدر و مادر
- شناخت از کجا پدید آمدن او

۲. سرگرمی خود



گاهی هدف سال سرگرمی است نه کسب اطلاعات. او تنها است و احساس خستگی و ناراحتی می‌کند، کاری ندارد که بدان مشغول شود، مادر را هم سرگرم کار و تلاش و ساکت می‌بیند برای نجات از این حالت و رهایی از این امر شروع به پرسش می‌کند. سؤالات او بی‌سروته است، تابع فکر و اندیشه نیست، شما با سرهم کردن جوابی او را خاموش می‌کنید، به دنبال سال دیگر می‌رود و در کل در پرسش او هیچ‌گونه نشانه‌ای حاکی از کسب اطلاعات و جستجوی آن نیست.

۳. نشان دادن حالت خود

گاهی سؤالات حکایت از وضع درون دارد. گاهی او با پرسش خود می‌خواهد از اضطرابی که به آن دچار شده است رهایی یابد، گاهی می‌خواهد با پرسش مشکلی که به آن دچار شده است را به دیگران بفهماند.

۴. رهایی از تردید

گاهی سؤالات برای نجات از تردید است. برای مثال، پاسخ‌های گذشته شما قانع‌کننده نبوده است و فعلاً می‌خواهد قانع شود. با توجه به مطالب مطرح شده باید ذکر نمود که در این پژوهش فقط به بیان سؤالات کودک در رابطه با آفرینش می‌پردازیم چرا که سؤالات کودک می‌تواند در زمینه‌های بسیاری باشد.

آسیب‌های سؤالات بی‌پاسخ کودکان

اما در این رابطه، اگر به سؤالات کودک پاسخ صحیح داده نشود می‌تواند آسیب‌های جدی را ایجاد نماید از جمله این آسیب‌ها عبارت‌اند از:

۵. خشونت



بعضی از پدران و مادران خشن هستند و زیاد فرزندان خود را ملامت می کنند این خشونت ها و ملامت ها فرزندان را به فرار از خانه و احیاناً خودکشی وامی دارد. اینها از مسیری هدایت پذیری را در فرزند خویش از بین می برند و در وجود آن ها بذریاس می افشانند. محیط خانواده باید جاذبه داشته باشد باید آن چنان به صفا و محبت آراسته باشد که کودکان را به خود جذب کند متأسفانه بعضی از محیط های خانوادگی به جای جاذبه، دافعه دارند و به جای اینکه فرزندان را جذب کنند دفع می کنند و این برای خانواده که یکی از سنگرهای تربیتی است شکست بزرگی محسوب می شود در مدرسه باید همین حالت باشد دستگاه آموزشی و پرورشی باید به رسالت خود توجه کند رسالت این است که نیروها جذب شوند و در انسان ها زمینه هدایت پذیری تقویت بشود (بهشتی، ۱۳۶۱، ۹۱).

۶. پیدایش شک

پیدایش شک های مذهبی در پایان کودکی آغاز می شود شک در همه چیز، شک در اعتقادات خود و اعتقادات والدین خود، شک در تعلیمات مذهبی، شک در حقانیت پیامبران که آیا آن ها از سوی خدا آمده اند؟ شک در زندگی بعد از مرگ، شک در آفرینش انسان از طرف خداوند، شک در عدالت خدا و بالاخره شک در وجود خدا او می خواهد مطمئن شود که آیا آنچه را که تا به حال به دست آورده درست بوده است یا خیر؟ او می خواهد با دلایل عقلی و منطقی همه اینها را قبول یا رد نماید، تفسیری نواز جهان و هستی داشته باشد و از طرفی می ترسد پیدایش شک را با دیگران مطرح نماید؛ چون ممکن است او را



به لاقیدی بنامند و تثبیت شوند و نتواند خود را قانع کند و یا برای برطرف کردن این شک‌ها به افراد ناصالح و کج‌رو و بی‌اطلاع رجوع نموده، سراز لامذهبی و بی‌بندوباری و بی‌خدایی در آورند و آن روح پاک و بی‌آلایش و باصفا و صمیمی را که با دست آورده بودند از دست داده به انحرافات اخلاقی نیز کشیده شوند؛ زیرا هیچ عامل کنترلی را بر خود ناظر نمی‌بینند و اینان به کنترل‌های درونی نخواهد رسید و در اثر پیدایش یک خلأ مذهبی بیشتر دچار سرشکستگی و حیران می‌شوند و به پوچ‌گرایی می‌رسند (خدایاری فرد، ۱۳۷۳، ۹۰) ..

۷. خطر بی‌دینی یا خطر خارج شدن از دین

وقتی کودک یا نوجوان در محیط‌های مختلف اجتماع در مقابل شبهات و القائنات فکری مکاتب و فلسفه‌های مختلف و افراد گوناگون قرار بگیرد و جواب منطقی و مستدل نداشته باشد برای حفظ غرورش ناگزیر است خود را بیگانه با مذهب معرفی کند و با این روش بر احساس حقارت خود به خاطر این ناتوانی‌ها در مقابل دیگران سرپوش گذاشته و اندک‌اندک به نفی مذهب کشیده می‌شود. تعصبات مذهبی عده‌ای از اطرافیان کودکان و نوجوانان و اصرار و پافشاری برای قبولاندن آن تعصبات غلط به آن‌ها و انجام اعمال خلاف توسط عده‌ای از مذهبی‌نماها و روحانی‌نماها نیز باعث سرخوردگی آنان از مذهب‌یون و مذهب‌گردد به علت ضعف عقیدتی، ضعف منطق و عدم رشد کافی، اعمال شده خلاف افراد و عقاید خرافی و آداب و رسوم که ارتباط با مذهب ندارند؛ ولی توسط افراد به مذهب منشعب می‌گردد باعث می‌شود که نوجوانان و جوانان همه آن‌ها را به حساب مذهبی گذاشته تا دست از آن بکشند و یا حتی علیه مذهب قیام



نمایند. کودکان و نوجوانان بسیاری را سراغ داریم که از خانواده‌های مذهبی و روحانی بوده‌اند؛ اما به‌خاطر همان دلایلی که بیان نمودیم پشت به مذهب کرده و حتی ضد مذهب شده‌اند.

گاهی اوقات در مدارس و دبیرستان‌ها که تعلیمات دینی و بینش مذهبی و قرآن را آموزش می‌دهند، به علت عدم تفهیم صحیح مطالب یا عدم صلاحیت معلم و یا عدم توانایی پاسخ‌دادن به سؤالات دانش‌آموزان بدبینی نسبت به مذهب در آنان تقویت می‌شود کودکان و نوجوانان احساس می‌کنند که درس دینی را خوانده و خوب فهمیده، اما چیزی نداشته است که او را جلب و جذب نماید و چیزی نداشته است که به درد زندگی بخورد، و اصولاً دین و مذهب آرام‌بخش درون نیست، روح و فکر را به تعالی نمی‌رساند و پیاده‌کردن آن عملی نیست و اگر هم عملی باشد داروی مخدر است انسان‌ها را تخریب می‌کند و از حرکت و رفتن و جریان داشتن باز می‌دارد، به سکون و رکود و ماندن و پوسیدن و بلکه به عقب برمی‌گرداند، این است که او از چنین مذهبی روی‌گردان است و علیه آن طغیان می‌کند و رسالت ریشه‌کن کردن مذهب را نیز به دوش می‌گیرد عده‌ای از کودکان و نوجوانان به‌خاطر برجسب‌هایی که بدان‌ها می‌زنند ممکن است از مذهب دست بکشند وقتی کودک یا نوجوانی به علت جهل و نادانی، ضعف عقیدتی و با تحت‌تأثیر افراد یا گروه‌ها به انحراف کوچکی کشیده شده است، اطرافیان به‌جای اینکه دلسوزانه و منطقی با او وارد بحث و گفتگو شوند و او را راهنمایی نمایند بلافاصله با زدن برجسبی او را محکوم و مطرود می‌کنند و همین عمل خود عاملی می‌شود که کودک و نوجوان یا به‌خاطر گرفتن انتقام و یا برای ثابت نمودن طرز تفکرش، آن



حجاب و پرده‌ای را تاکنون حفظ نموده بود پاره کرده از مسیر خارج شود (خدایاری فرد، ۱۳۷۳، ۹۱).

شربزرگ این نیست که مردم خدا را نمی‌شناسند؛ بلکه خطر بزرگ‌تر آن است که مردم چیزی را جان‌نشین خدا کرده‌اند که خدا نیست. در مورد تربیت هم از نقطه‌نظری محدودتر می‌توان به مفهومی اشاره کرد. مشکل اصلی عده‌ای از مربیان و بزرگسالان که در پی تربیت کودکان و فرزندان خود هستند این نیست که تربیت را نمی‌شناسند و یا از تربیت چیزی نمی‌دانند؛ بلکه بدتر از آن و خطرناک‌تر این است که مفاهیم و برداشت‌هایی را جایگزین و یا همراه و مقارن تربیت کرده‌اند که نه تنها ارتباطی با تربیت ندارد؛ بلکه مغایر با تربیت فعال و رودرروی مفهوم اصلی و واقعی است (کریمی، ۱۳۷۹، ۳۴).

شهید مطهری در گفتاری پیرامون فطرت از دیدگاه قرآن و فلسفه به شیوه موجز تمایز بین تربیت جعلی و تربیت واقعی را بر ملا ساخته است. آنجا که می‌گوید: در برخی تربیت‌های امروز مسخ کردن انسان‌هاست. از نوع فرمیکا ساختن از چوب و اخته کردن گوسفند است، یعنی بر اساس کشیدن برخی رگه‌های روحی، بر اساس شکل تحمیل کردن، قالب ساختن و در قالب ریختن، حال آنکه تربیت صحیح اساسش این است که شکل ندهد و در یک قالب خاص نریزد (همان).

کودکان به سؤالات خود حساسیت دارند و عدم جواب یا بی‌اعتنائی را نمی‌پذیرند اگر سؤالی در ذهن آنان جاافتاده باشد مادامی که برای آن پاسخی دریافت نکنند آرام نخواهند شد. شما به او جواب نمی‌دهید او سال خود را از دیگران می‌پرسد، از کودکان دیگر، از معلم، از فردی غریبه، از افراد بزرگ‌تر از خود و... در آن صورت معلوم نیست آن‌ها با همان آگاهی و صداقتی که شما دارید به او



جواب بگویند. چه بسا که خود این امر زمینه ساز بسیاری از روابط آلوده و غلط شده است.

برخی از والدین به عللی و از جمله این علت که نباید روی کودک به ایشان باز شود به پرسش های او پاسخ نمی دهند. در نتیجه طفل یا راه خود را کورکورانه، همراه با وسوسه و نگرانی طی خواهد کرد و یا پاسخ خود را از دیگران خواهد گرفت. اینان در این مورد چنان حساس اند که گاهی از عروسک خود، از گریه خود، از مرغ و جوجه ای که با او مأنوس اند و حتی از اشیای بی جان سؤالاتی دارند و از اینکه آن ها جواب نمی دهند ممکن است به گریه بیافتند. این امر درباره کودکانی که عصبی و حساس اند سابقه دارد حتی ممکن است در خواب و استراحتشان هم مشکلی پدید آید (قائمی، ، ۱۳۶۸، ۲۶۹).

حدود پاسخ ها

در پاسخ دادن به سؤالات کودکان و مخصوصاً در امر منظورداشتن، حدود پاسخ ها باید نکاتی را رعایت کرد از جمله اینکه: حدیثی از امام علی علیه السلام که می فرمایند: نکید الجواب من نکیر الخطاب. پاسخ بد از خطا تکبر ناپسند است (آمدی، ۵۱۰، ق، ۸۴۷).

سؤالات را به همان اندازه جواب دهید که از شما می پرسند به ویژه آنجا که پای لغزش و انحراف مطرح است.

جواب ها باید مختصر، ساده، به دور از ابهام و هرگونه بدآموزی باشد.

در آنجا که پای علم و فرهنگ و تربیت و اخلاق مطرح است پاسخ ها را بازتر کنید.



- در مواردی که پای عفت و اخلاق در میان است می‌توانید سؤالات را با یک کلمه آری یا نه پاسخ دهید.

- در پاسخ‌دادن وارد مباحث فلسفی نشوید کودک دانشجو نیست.

گاهی احساس می‌کنید که کودک به پاسخ شما قانع نشده است. در آن صورت به شرط درخواست پاسخ را کامل ترک کنید.

برای درمان ماندن آسیب‌های عدم پاسخ‌گویی به سؤالات کودکان اصولی را باید رعایت کرد از جمله:

- هیچ سؤالی را بدون جواب نگذارید؛ ولی از جواب‌دادن غلط بپرهیزید.

- جواب‌ها باید برای بچه باید قابل درک باشد و لغات مشکل را در آن به کار

نبرید.

- در حین پاسخ‌دادن و اخلاق و عفت کلام را رعایت کنید تا سخنان شما برای آنان درس‌آموز باشد.

- پاسخ‌ها صریح و روشن و کلی باشد. (همان)

انواع پاسخ‌ها

- پاسخ شفاهی که معمول‌ترین و متداول‌ترین نوع پاسخ‌هاست.

- به صورت داستان و قصه و این می‌تواند شیوه‌ای غیرمستقیم در پاسخ‌ما

باشد؛ زیرا کودک داستان را با شوق و رغبت گوش می‌دهد.

- نشان‌دادن عکس و تصویر به ویژه اگر رنگی و جذاب باشد.

- پاسخ‌ها به صورت نمایش، نمایش با عروسک، با اسباب‌بازی و یا آدمک‌ها.

نتیجه‌گیری



دوران کودکی بهترین زمان برای آموزش و پرورش به ویژه تربیت دینی است. می دانیم که تربیت دینی یک فرایند چند مرحله ای است که نقطه آغاز آن پیش از تولد است. امام مهم ترین بخش تربیت، پاسخ به سؤالات کودک است که نقش مهمی در تربیت وی دارد. با توجه به اینکه کنجکاوی در انسان یک امر ذاتی است، همچنین او با سال کردن سعی دارد تا جواب آنچه را که نمی داند را دریابد و این ریشه در کنجکاوی و در نهایت خواستاری کشف و آگاهی اوست. اما در این رابطه اگر به سؤالات کودک پاسخ صحیح داده نشود، باعث ایجاد آسیب های جدی خواهد شد. از جمله این آسیب ها: خشونت، پیدایش شک و خطر بی دینی یا خطر خارج شدن از دین است؛ لذا لازم است تا نکاتی را در رابطه با پاسخ به سؤالات کودکان رعایت کنیم.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. احمدی، زین العابدین؛ احمدی، حسنعلی، مقام پدر و مادر در اسلام، ۱۳۸۹، انتشارات میثم تمار، قم.
۴. ارفع، سید کاظم، نبوت عامه و خاصه از منظر نهج البلاغه، ۱۳۸۲، پیام عدالت.
۵. آمدی، عبدالواحد، ۱۳۷۳، غررالحکم، ترجمه محمدعلی انصاری، قم، انتشارات دارالکتب
۶. انوری، حسن، ۱۳۸۲، فرهنگ فشرده سخن، تهران، انتشارات سخن
۷. باقری، خسرو، ۱۳۹۰، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، انتشارات مدرسه، چاپ دوم
۸. بنیانیان، حسن، "مدلی بر آسیب شناسی انقلاب اسلامی"، ۱۳۷۷، آسیب شناسی انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات).
۹. بهشتی، احمد، ۱۳۶۱، تربیت از دیدگاه اسلام، دفتر نشر پیام
۱۰. بهشتی، محمد، علی نقی فقیهی و دیگران، ۱۳۸۸، آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن. سمت
۱۱. تربتی نژاد، حسن، ۱۳۸۵، اسلام و خشونت، مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما. چاپ نگارش
۱۲. التونجی، محمد، فرهنگ فارسی - عربی، ۱۳۷۳، انتشارات هیرمند، تهران.
۱۳. حاجی ده آبادی، محمدعلی، ۱۳۷۷، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، تهران، دفتر تحقیقات و تدوین متون درسی



۱۴. خدایاری فرد، محمد، ۱۳۷۳، مسائل نوجوانان و جوانان، چاپ کلینی، چاپ سوم.
۱۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ۱۳۷۷، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ دوم.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد ۵۰۲ ق، مفردات فی غریب القرآن، دمشق، دارالقلم.
۱۷. رضایی، مهدیه، ۱۳۹۳، قرآن و تربیت اجتماعی کودکان، نشر قم، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن
۱۸. عبدلی، ناهید، ۱۳۸۹، انسان شناسی دوران کودکی، مقاله، سایت انسان شناسی و فرهنگ
۱۹. قائمی، علی، ۱۳۶۸، خانواده و مسائل مدرسه کودکان، انجمن اولیا و مربیان جمهوری امی، سلمان فارسی، قم.
۲۰. قائمی، علی، ۱۳۶۹، اسلام و تربیت دختران، انتشارات امیری
۲۱. قائمی، علی، ۱۳۶۸، خانواده و تربیت کودک انتشارات امیری
۲۲. قریشی، سید علی اکبر، قاموس نامه قرآن ۱۳۱۲، نشر دارالکتب اسلامی، چاپ ششم، تهران
۱۲۳. کاظم زاده ایرانشهر، حسین، ۱۳۵۷، اصول و اساس فن تربیت، تهران، انتشارات اقبال.
۲۴. کریمی، عبدالعظیم، ۱۳۷۹، تربیت چه چیز نیست؟ موسی فرهنگ منادی تربیت، .
۲۵. مرکز مشاوره حوزه علمیه، مسائل تربیتی (۱)، تربیت از منظر مکاتب قم، دفتر شهرک مهدیه، بی تا.

۲۶. معین، محمد، ۱۳۵۱ فرهنگ فارسی معین، ، نشر بهزاد و ناهید آقامیرزا
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶، برگزیده تفسیر نمونه، جلد ۲، نشر تهران، دارالکتب
اسلامیه
۲۸. نوروزی، محمد، آسیب شناسی رفتاری انسان از دیدگاه قرآن، ۱۳۸۶، بوستان
کتاب، قم، چاپ سوم.

۳۰۹

